



ماهنامه

آگاهیه حقوقی

ارگان نشراتی وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

ای کسانی که ایمان آورده اید، برای خدا، حق گفتن را بر پای خیزید و به عدل گواهی دهید دشمنی با گروهی دیگر و ادارتان نکند که عدالت نورزید عدالت ورزید که به تقوی نزدیک تر است و از خدا بترسید که او به هر کاری که می کنید آگاه است.

سوره مائده / آیه ۸

سال اول * شماره پنجم * اسد ۱۳۸۶ * August 2007

سنگ تهداب مرکز اصلاح و تربیت اطفال ولایت هرات گذاشته شد

به منظور شرکت در مراسم گذاشتن سنگ تهداب مرکز اصلاح و تربیت اطفال و تهداب گذاری واحدهای مسکونی برای افسران مدیریت عمومی محبس ولایت هرات و بازدید از واحدهای دومی وزارت عدلیه (ریاست حقوق، قضایای دولت، مدیریت محبس و مرکز اصلاح و تربیت اطفال) هیأتی به ریاست محترم پوهندوی عبدالقادر عدالتخواه معین اداری وزارت عدلیه، محمد صدیق صدیقی رئیس عمومی مراکز اصلاح و تربیت اطفال و عبدالغیاث الیاسی رئیس تفتیش داخلی به تاریخ ۲۷ سرطان سال جاری عازم هرات گردید.

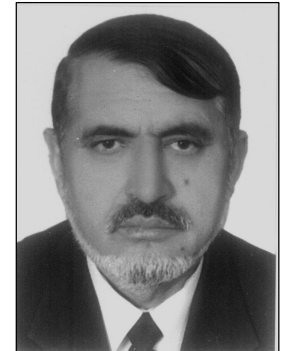
روز پنجشنبه حوالی ساعت ۱۰ قبل از ظهر مراسم تهداب گذاری مرکز اصلاح و تربیت اطفال ولایت هرات آغاز یافت. در این مراسم که با حضور داشت هیأت متذکره برگزار شده بود، محترم حاجی میر عبدالخالق معاون مقام ولایت، قوماندان تیم پی آر تی ولایت هرات، نماینده کمیسیون مستقل حقوق بشر، برخی از اعضای رهبری ولایت هرات، رؤسای حقوق، قضایای دولت، مرکز اصلاح و تربیت اطفال، مدیر و افسران محبس ولایت هرات نیز حضور داشتند. **ادامه در ص ۴**

تورن جنرال عبدالسلام عصمت رئیس عمومی محابس و توقیف خانه ها در گفتگو با آگاهی حقوقی:

برای ایجاد محیط زیست سالم و فراهم آوری زمینه های کار برای محبوسین باید توجه جدی صورت گیرد

سید محمد رضا فخری

یادداشت



به مناسبت هشتاد و هشتمین سالروز استرداد استقلال کشور به اساس فرمان مقام محترم ریاست جمهوری اسلامی افغانستان ۴۰ تن از محبوسین از محبس مرکزی پلچرخی رها گردیدند. هنگام رهایی این محبوسین محترم پوهندوی عبدالقادر عدالتخواه معین وزارت عدلیه و تورن جنرال عبدالسلام عصمت رئیس عمومی محابس و توقیف خانه ها و ... حضور داشتند.

این که محبوسین رها شده محکوم به چه نوع جرایمی بوده اند و به منظور آگاهی هرچه بیشتر خوانندگان از وضعیت بهداشتی محبوسین و مشکلات محابس و توقیف خانه ها و راهکارهای بیرون رفت از این مشکلات گزارشگر ماهنامه آگاهی حقوقی با محترم تورن جنرال عصمت رئیس عمومی محابس و توقیف خانه ها گفتگویی را انجام داده است که اینک تقدیم خوانندگان محترم می گردد:

"- محبوسینی که به حکم قطعی یا نهایی محکمه به حبس الی چهار سال محکوم شده اند بدون در نظر داشت نوعیت جرم و مدت سپری شده از حبس رها گردند.

- محبوسین انائی که به حکم قطعی یا نهایی محکمه به حبس بیش از شش سال الی دوازده سال محکوم گردیده اند، در صورتی که ثلث حبس محکوم بها را **ادامه در ص ۲**

محترم تورن جنرال عصمت رئیس عمومی محابس و توقیف خانه ها در مورد این که فرمان مقام ریاست جمهوری شامل حال چه کسانی از محبوسین می شد، گفت: در این مورد مطابق به ماده چهارم، پنجم، هشتم و نهم و دهم فرمان مقام ریاست جمهوری اسلامی افغانستان عمل شده که چنین است:

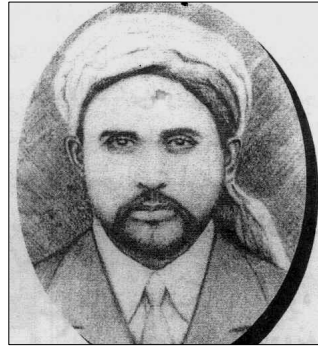
به مناسبت هشتاد و هشتمین سالروز استرداد استقلال کشور

بیست و هشتم اسد نقطه عطف در تاریخ کشور

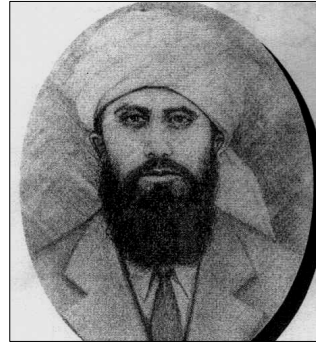
دردانه فضائی



سید نور محمد شاه خان



امین الله خان لوگری



میر بچه خان کوهستانی



وزیر محمد اکبر خان



۲۸ اسد سالروز استرداد استقلال نقطه عطفی در تاریخ کشور ما محسوب می شود. هنگامی که شاه جوان و مشروطه خواه با روحیات اصلاح طلبانه و ضد انگلیسی، تاج سلطنت افغانستان را در سال ۱۲۹۷ بر سر نهاد، در اولین اشتها خود چنین نوشت: "بر همه رعایای صادق و ملت نجیب خود این را اعلان و بشارت می دهم که من تاج سلطنت اسلامی و افغانیه را به نام استقلال و

حاکمیت آزادانه داخلی و خارجی افغانستان به سر نهاده ام." این اشتها، سرآغازی بود برای استرداد استقلال کشور از سیطره امپراتوری بزرگی که در قلمرو آن آفتاب غروب نمی کرد.

گرچه افغانستان در طول تاریخ، به صورت مستعمره کامل، تحت سیطره بریتانیای کبیر نبوده ولی این کشور (بریتانیا) همیشه بازگر صحنه سیاسی و گرداننده سیاست خارجی افغانستان بوده است که سر انجام در سال

۱۹۱۹ در جنگ های روپا روی از مردم افغانستان به رهبری امان الله خان شکست خورد و افغانستان به عنوان یک کشور مستقل از طرف مجامع بین المللی به رسمیت شناخته شد.

ادامه در ص ۳

د نفقی او دین تحصیل او په دی اړوند د حقوقو د ادارو نیابت

محمد محسن نیکپال

۱- هغه سندونه چې د واکمنو محکمو له خوا په قطعي یا نهائي توگه ترتیب او صادر شوي وي او د قضاء محفوظ ثبت ولري او د جعل او تزویر نه خالي وي.

۲- هغه سندونه چې په افغاني سفارتونو یا سیاسي نمایندگيو کې جوړ شوي او د دولت د باندنيو چار د وزارت په تصدیق هم رسیدلي وي او له نافذو قوانینو سره مخالفت ونلري.

۳- هغه پرېکړه چې د بهرنی هیواد د محکمې په واسطه د بهرنی او افغاني تبعی ترمخ په وروستني ډول سره د خصوصي بین الدول د حقوقو د قواعدو پر اساس صادرېږي او د باندنيو چارو د وزارت له خوا تصدیق شوي وي.

۴- نور سندونه چې هغو ته شرعي او قانوني اعتبار ورکړل شوي وي.

ننقه او دین هم د هغو مسائلو له جملې څخه دي چې پاتې ۲ مخ

د حقوقو ادارې د هغو اشخاصو د حق د تحصیلولو دنده په غاړه لری چې د واکمنو محکمو له خوا مستحق وگڼل شي او قانوني او شرعي اسناد په لاس کې ولري.

هغه سندونه چې په درلودلو سره ئې شخص خپل حقوق لاس ته راوړلی شي د حقوقو د تحصیل د څرنگوالي د قانون د لسمې مادې د حکم پر اساس په لاندې ډول دي:

دور دهم کورس آموزشی حقوقی

آغاز یافت

به همکاری سازمان بین المللی انکشاف حقوقی به منظور ارتقای ظرفیت حقوقی کارمندان ریاست های حقوق و قضایای دولت وزارت عدلیه به تاریخ ۲۹ اسد سال روان دور دهم کورس آموزشی حقوقی آغاز یافت. دوره های ششم، هفتم، هشتم و نهم این کورس در ماه های حمل، ثور، جوزا و سرطان آغاز و پایان یافت که در هر دور بیش از ۳۵ نفر از کارمندان ریاست های حقوق و قضایای دولت معرفی شدند و از این کورس فارغ شدند. این کورس به مدت کمه ای ادامه خواهد داشت که در هر روز ۵ ساعت مضامین مختلف حقوقی و قانونی تدریس می گردد.

ادامه در ص ۲

دست اندر کاران ماهنامه آگاهی حقوقی هشتاد و هشتمین سالروز استرداد استقلال کشور را به ملت مسلمان و مجاهد افغانستان تبریک و تهنیت عرض می دارند

برای ایجاد محیط زیست سالم و فراهم آوری...

سپری نموده باشند از حبس رها گردند حالات ذیل از این حکم مستثنی است:

۱- مرتکبین جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و قاچاق مواد مخدر مگر این که نصف مدت حبس محکوم بها را سپری نموده باشند.

۲- مرتکبین جرایم قتل مگر این که ورثه مقتول ابراء نموده و نصف مدت حبس محکوم بها را سپری نموده باشند.

۳- مرتکبین جرایم راهزنی (قطاع الطریق) سرقت مسلحانه، از مزایای احکام مندرج فقره (۳) ماده مستفیده شده نمی توانند.

ماده پنجم

۱- محبوسین ذکوری که به حکم قطعی یا نهایی محکمه به مدت الی دو سال حبس محکوم گردیده باشند بدون در نظر داشت نوعیت جرم و مدت حبس سپری شده از حبس رها گردند.

۲- محبوسین ذکوری که به حکم قطعی یا نهایی محکمه به حبس بیش از دو سال الی شش سال محکوم گردیده اند در صورتی که ربع حبس محکوم بها را سپری نموده باشند از حبس رها گردند.

ماده هشتم

مجرمین متکرر از مزایای احکام فقره های (۱-۲-۳) ماده اول، ماده چهارم، ماده پنجم و ماده ششم این فرمان مستفید شده نمی توانند.

ماده نهم

در صورتی که علاوه بر مجازات حبس به پرداخت جریمه نقدی یا جبران خساره نیز

محکوم گردیده باشند مکلفند وجوه محکوم بها را تأدیه یا تضمین معادل آن را ارایه نمایند.

ماده دهم

احکام این فرمان دعوی حق العبدی اشخاص را اخلال نمی نماید.

تورن جنرال عصمت در مورد این که تعدادی از رسانه ها از وضعیت ناگوار صحنه محبوسین و عدم رسیدگی به دوسیه های توقیف شدگان در این اواخر خبر دادند افزود:

در این مورد باید گفت که در مدیریت عمومی توقیف کابل و محبس مرکزی و محابس سایر ولایات آمریت های صحنه وجود دارد و ۲۴ ساعت حتی الامکان متهمین و محبوسین را تداوی می نمایند. آن عده مریضانی که تداوی شان در آمریت های صحنه ممکن نباشد به شفاخانه های ایمرجنسی و شفاخانه های دیگر توسط محافظین اصولی غرض تداوی اعزام می گردند.

برای فراهم نمودن امکانات صحنه در سایر محابس در سال جاری به مبلغ ۵۰ میلیون افغانی ضرورت بود که ۴ میلیون آن از کود (۲۲) تخصیص و انتقال گردید. مبلغ ۲ میلیون افغانی از پول های انتقال داده شده ادویه خریداری شد و به تعدادی از محابس توزیع گردید و در ولایات دیگر خریداری دوا و توزیع جریان دارد. در رابطه به تخصیص همراه با وزارت مالیه مذاکرات صورت گرفته است آرزومندیم که مشکلات بعدی مرفوع خواهد شد.

همچنان باید گفت که راجع به دوسیه

ها و سرنوشت محبوسین در سال ۱۳۸۶ از سوی محاکم به ویژه ستره محکمه توجهی جدی صورت گرفته است و بسیاری از مشکلات محبوسین در مقایسه با سال گذشته تا حدودی حل گردیده است و کار محاکم در این راستا بدون شک مثبت است.

او در مورد مشکلاتی که دامنگیر محابس و توقیف خانه هاست گفت که برای انتقال محبوسین و متهمین وسایط نقلیه یی مطابق استندردهای بین المللی وجود ندارد. محبوسین به وسیله موتوره های کرایه ای انتقال داده می شوند و در مورد انتقال آنان هیچگونه تخصیصی وجود ندارد.

تورن جنرال عبدالسلام عصمت راه حل های این مشکلات را چنین خلاصه کرد:

از آنجایی که پرسونل ریاست عمومی محابس و توقیف خانه ها وظیفه خطیری را به عهده دارند و همواره در تلاشند باید در راستای بر آورده شدن نیازمندی های آنان توجه صورت گیرد و تخصیص مالی محابس به سروقت انتقال یابد. همچنین ارگان های دیگر از مداخله در امور محابس جلوگیری نمایند.

همچنان دولت و مؤسسات خارجی در پهلوی توجه به سرنوشت و وضعیت صحنه محیط زیستی محبوسین باید در مورد فراهم آوری زمینه های کار و صنعت برای آنان توجه صورت بگیرد.

علاوه بر آنچه ذکر شد باید پرسونل محابس بادر نظر داشت لیاقت و شایستگی آنان تقرر یابند و پرسونل محابس همچنان باید با وحدت، یکپارچگی و احساس وطن دوستی وظیفه خویش را انجام دهند.

دور دهم کورس آموزشی حقوقی ...

در این دور به تعداد ۲۶ نفر از کارمندان ریاست های حقوق و قضایای دولت معرفی گردیده اند که ۷ تن آنان از ریاست های قضایای دولت و متباقی از ریاست های حقوق می باشند.

در این کورس آموزشی قانون طرز تحصیل حقوق از سوی محترم اسد الله وحدت معاون و سرپرست ریاست عمومی حقوق وزارت عدلیه، قانون قضایای دولت از سوی محترم سید محمد امین عارف رئیس قضایای دولت وزارت عدلیه، مقررۀ تنظیم اجراءات وزارت عدلیه توسط محمد اشرف جالب رئیس دیپارتمنت حقوق بین الدول خصوصی ریاست عمومی تقنین وزارت عدلیه، قانون تجارت از سوی محترم پتونی مهنا عضو مسلکی ریاست عمومی حقوق این وزارت، اصول محاکمات مدنی و تجارتی از سوی قاضی حسام هلال مسؤول روابط عمومی سازمان بین المللی انکشاف حقوق و قانون مدنی از سوی قاضی عبدالله حنان قاضی ستره محکمه، تدریس می گردد.

گفتنی است که سازمان بین المللی انکشاف حقوق (International Development Law Organization) بخش حقوق در تفاهم با ارگان های عدلی و قضایی از ۴ جون ۲۰۰۶ به این سو فعالیت دارد که تا کنون چندین دور سیمینارها، ورکشاپ ها و کورس های ستاژ خارنوالی و قضایی و ارتقای ظرفیت حقوقی کارمندان وزارت عدلیه را دایر نموده است.

گزارش از سید محمد رضا

د نفقي او دين په تحصيل کې د حقوقو ...

د خلکو په منځ کې منازعات ورباندې پيدا کېږي او د حقوقو ادارې د هغوی په تحصيلولو کې اقدام کوي.

د دې له امله چې زمونږ د بحث موضوع د نفقي او دين په تحصيلولو کې د حقوقو د ادارو نيابت دی، لږمه ده چې د نفقي او دين په باب لنډ معلومات وړاندې شي:

نفقه

نفقه د هغو حقوقو له جملې څخه ده چې قانون ځينې اشخاص د نورو مستحقو اشخاصو په وړاندې د هغه په برابرولو مکلف گرځولي لکه بوداگان، بنځي، ماشومان او معيوبين چې فقير وي او د کار کولو توان ونلري او کله کله د مکلفو او مستحقو اشخاصو په تيره بيا د ميره او بنځي ترمنځ د نفقي په اړوند منازعات رامنځ ته کېږي. د دې لپاره چې موږ د نفقي مستحق او هغوی ته د نفقي د برابرولو مکلف اشخاص په ښه ډول وپېژنو د مدني قانون ځينې مادې را اخلو:

- د صحيحې او نافذې نکاح په عقد، د بنځې نفقه په ميره لږميرې که څه هم بنځه د خپلوانو په کور کې ژوند کوي. که چيرې بنځه ناحقه د ميره کورته له تلو څخه ځان وژغوري نو نفقه يې په ميره نه لږميرې. د مدني قانون ۱۱۷ ماده

- د بنځې نفقه مشتمله ده په خوراک، لباس، د اوسيدلو په ځای او د

بنځې په دارو کولو خو د ميره د مالي قدرت په تناسب. د مدني قانون ۱۱۸ ماده

- نفقه د ټولو انواعو سره د صغير هلک د پاره تر هغه وخته پورې چې د کسب او کار قدرت پيدا کي، او د صغيرې جلې د پاره تر هغه وخته پورې چې ازدواج وکي، د پلار په غاړه ده. د مدني قانون ۲۵۶ ماده

- د بالغ زوی نفقه چې د کسب او کار قدرت نلري او فقير وي او

که پلار خپل اولاد ته د نفقي ورکولو قدرت ونه لري او د کسب او کار څخه عاجزوي، د نفقي د ورکولو مکلفيت هغه ولي ته انتقالېږي چې د پلار پسې درجې کې واقع دی. د مدني قانون ۲۵۹ ماده

د مور، پلار، نيکونو او نياگانو نفقه که د کسب قدرت ولري او که يې ونه لري خو چې فقير وي د هغه د اولاد په غاړه ده چې شتمن وي عام له دې نه چې اولاد زوی وي يا لور، صغير وي او که کبير. د مدني قانون ۲۶۴ ماده

زمونږ په مدني قانون کې د نفقي په

نفقه د هغو حقوقو له جملې څخه ده چې قانون ځينې اشخاص د نورو مستحقو اشخاصو په وړاندې د هغه په برابرولو مکلف گرځولي لکه بوداگان، بنځي، ماشومان او معيوبين چې فقير وي او د کار کولو توان ونلري او کله کله د مکلفو او مستحقو اشخاصو په تيره بيا د ميره او بنځې ترمنځ د نفقي په اړوند منازعات رامنځ ته کېږي

همدارنگه د بالغې فقيرې لور نفقه، ترڅو چې واده شي، د پلار په غاړه ده. د مدني قانون ۲۵۷ ماده

(۱) د هلک يا جلې د نفقي مصرف چې د کسب او کار خاوندان وي د هغوی د عايداتو څخه تامينيږي او که عايداتو يې نفقه نه پوره کوله نو پاتې برخه نفقه يې د پلار په غاړه ده.

(۲) که د هلک او جلې د کسب او کار عايدات د هغوی د نفقي د اندازې څخه زيات وي، زياته برخه عايدات د پلار له خوا ذخيره کېږي، د بلوغ څخه وروسته هغوی ته ورکول کېږي. د مدني قانون ۲۵۸ ماده

ترمنځ د داسې رابطې څخه عبارت دی چې د هغې په اساس پور ورکونکي کولی شي چې د پور اخيستونکي څخه د يو شي د اخيستلو، د يو کار د کولو يا د هغې څخه د منع کېدو غوښتنه وکي. د مدني قانون ۴۸۸ ماده

د عقد څخه د هر نوع پيدا شوي التزام د پاره د هغې موضوع وجود چې د عقد نسبت ورته شوی او د عقد د حکم قابليت ولري، هرو مرو دی. د عقد موضوع عين، پور، گټه يا نور مالي حقوق تشکيلولی شي، همدارنگه د يوه کار اجرا کول يا د هغې څخه د ځان ژغورل، د عقد موضوع کيدای شي. د مدني قانون ۵۷۹ ماده

د مکليست د نقليدو او د گټو د مرتبېدو په غير د معاوضي د عقد د آثارو څخه دا هم ده چې پور په ذمه ثابتوي، يا يې په کار کولو لږموي او يا پور محکمه وي. د مدني قانون ۶۹۵ ماده

د پورونو په اړوند حقوقي منازعات د هغو موضوعاتو څخه دي چې د حقوقو ادارو ته د تحصيلولو د پاره راجع کېږي.

که چيرې عارض د قانوني اسنادو د درلودلو سربيره ونشي کولی چې د خپلو حقوقو د لاسته راوړلو د پاره د مديون د اوسيدو ځای ته ورشي په دې حالت کې د حقوقو اداره د نوموړي د حقوقو د تحصيلولو په برخه کې اقدام کوي.

پاتې لري

د مدني قانون ۱۱۸ ماده

د بنځې نفقه مشتمله ده په خوراک، لباس، د اوسيدلو په ځای او د بنځې په دارو کولو خو د ميره د مالي قدرت په تناسب.

آگاهی حقوقی

- آزادی مطبوعات، شغل و مصوونیت مسکن.
- احداث پله‌ها، مکاتب، راه‌ها، شفاخانه‌ها، بناهای عمومی و...

متأسفانه دست آوردهای آن دوره دستخوش برخی اقدامات شتاب زده شاه مانند، پیاده نمودن بعضی الگوهای غربی و دخالت بیگانگان بویژه انگلستان گردید که سرانجام زمینه سقوط نظام را فراهم نمودند. شاه امان الله با پیروی از خطه مشی کمال اتاترک و محمد رضا پهلوی در ترکیه و ایران طی فرمانی اعلان نمود که رخصتی روز جمعه به روزپنجشنبه در تمام ادارات کشور عملی گردد. موارد دیگر از قبیل برداشتن و منع حجاب، نا دیده گرفتن سنت و عرف جامعه افغانی، اجباری نمودن پوشیدن دریشی و کلاه شاپو، نارضایتی تندروان مذهبی و سران قبایل، توطئه استعمار و ... عوامل سبب گردید که میان شاه و مردم فاصله ایجاد شود و بدین ترتیب، زمینه اضمحلال و انقراض دولت امانی فراهم گردید.

نتیجه گیری

با در نظر داشت تاریخ معاصر کشور و حماسه آفرینی فرزندان دلیر این مرز و بوم دوره امانی یکی از ادوار پر بار تاریخ افغانستان است؛ زیرا در این دوره تحولات مهم در ساحات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... رونما گردید که از آن جمله می توان استرداد استقلال کشور را با ارزش ترین دستاورد تاریخی در دوره زمامداری شاه امان الله دانست اما چنانچه قبلاً تذکر داده شد با وجود این همه دستاوردهای گرانبهای آن دوره، چالشهایی نیز وجود داشت که می توان آن را ناشی از عدم شناخت کافی شخص شاه و دستگاه حکومت وی از جامعه سنتی آن زمان نام برد.

نهضت مشروطه اول نه تنها با سرکوب و اعدام نمودن سران آن از بین نرفت بلکه با تشکل منسجمتر و مرام مترقی در قالب مشروطیت دوم که عضویت فعال آن را شخصیت های طراز اول مملکت مانند شاه امان الله خان و محمود طرزی و سایر روشنفکران آن دوره، تشکیل می داد، با در دست گرفتن زمام امور توسط شاه امان الله به پیروزی رسید.

شاه جوان پس از تکیه بر اریکه قدرت تحولات زیادی را در عرصه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به وجود آورد که دست آوردهای دوره حاکمیت شاه امان الله خان به شرح ذیل می باشد:

- وضع نظام نامه هایی مانند داکخانه، فروش املاک سرکاری، تذکره نفوس و پاسپورت، حصول مواشی، تقسیمات ملکیه، مطبوعات، داخله عسکریه و...
- اجباری نمودن تحصیلات ابتدائیه.
- منسوخ و ملغی قرار دادن بردگی.
- تساوی حقوق بین زنان و مردان.
- ملغی نمودن امتیازات و مستمری خاندانی.
- محدود کردن صلاحیت و قدرت قضات محاکم.
- ایجاد شوراها.
- بنا نهادن اساس اخذ مالیات مستقیم از زارعین و تجار.
- تأمین و به رسمیت شناختن حقوق اقلیت های غیر مسلمان.
- اعزام دانشجویان دختر و پسر به خارج.
- حق مالکیت شخصی.

بیست و هشتم اسد نقطه عطف در تاریخ ...

هسته استقلال طلبی با جنبش اصلاح طلبانه مشروطه خواهان در دوره حاکمیت امیر حبیب الله خان نضج گرفت و مبنای حرکت روشنگرانه اندیشمندان مشروطه دوم قرار گرفت که در این میان نقش مؤثر و ارزنده مهم ترین شخصیت متفکر جهان اسلام سید جمال الدین افغانی را نمی توان از نظر دور داشت.

گرچه مشروطه خواهان پیش از تحقق آمال و آرزوهای شان توسط زمامدار وقت محکوم به اعدام و جمع شان پراکنده شدند.

اما بازماندگان و هواداران این نهضت به مبارزه خویش ادامه دادند. از خواسته های اساسی مشروطه خواهان می توان به اصول ده گانه ذیل اشاره نمود:

- اطاعت از اصول اسلام و قبول تمام احکام آن.
- کوشش نمودن جهت دستیابی به حقوق ملی و تبدیل حکومت استبدادی به مشروطه.
- سعی در گسترش اخلاق حمیده و ترک عادات نکوهیده .
- آشتی و حسن تفاهم میان تمام اقوام و نژادهای ساکن افغانستان .
- سعی در اصلاح عامه.
- تعمیم مدارس و مکاتب ، گسترش بیداری مردم از طریق مطبوعات.
- تأسیس مجلس شورا از راه انتخابات.
- سعی در کسب استقلال.
- تأمین مساوات و عدالت اجتماعی.
- بسط و توسعه دانش، معارف جدید و صنایع.

ملکیت ها و طرز تخلیه آن ها...

— املاکی که بیش از ۳۷ سال تحت تصرف دولت قرار گرفته باشد.

— کاربزه های مخروبه و غیر مخروبه، جوی ها و زمین های تحت

طبق ماده ۳۳ قانون طرز تحصیل حقوق غرض تجویز قضایی به محکمه تجارتی احاله می گردد که بعد از صدور قرار قضایی مبنی بر تخلیه، طبق ماده (۲۴) قانون طرز تحصیل حقوق، هیأتی از ارگان های پلیس،

دانستنی هایی از ...

- به همین ترتیب در ماده (۸۳۹) المجله آمده است که (تنعقد الیهة بالتعاطی). ترجمه: "هیه به تعاطی (دست به دست) یا رد و بدل منعقد شده می تواند.
- هیه به ارسال و قبض موهوبه (چیزی که بخشش داده می شود) توسط موهوب له صورت گرفته می تواند و قایم مقام ایجاب و قبول واقع می شود. چنانچه در ماده (۸۴۰) المجله آمده است: (الإرسال والقبض فی الیهة و الصدقة یقوم مقام الإیجاب والقبول لفظاً) "داد و ستد در



منار آزادی یادگار استرداد استقلال کشور

آن و سایر املاکی که ملکیت اشخاص در آن قانوناً ثابت نگردد.

زمین مرعی (مالچر، متروکه و چراگاه)

بر اساس فقره ۹ ماده دوم قانون تنظیم امور زمین داری مرعی عبارت از آن زمین های بایر است که شرعاً ملکیت دولت یا شخص بر آن ثابت نگردد و یا به عباره دیگر مرعی آن زمینی است که دولت و شخص در آن تصرفات مالکانه کرده نمی توانند مگر این که دولت به منظور منافع عامه طور دیگری از آن استفاده نماید.

در مورد تشخیص زمین مرعی حقوق دانان گفته اند که از آخرین خانه یک قریه، صدای یک نفر بلند آواز تا هر جایی که برسد زمین همجوار آن قریه، مرعی شمرده می شود.

زمین وقفی

وقف عبارت است از حبس مال از تصرف مالک و بذل منفعت آن در امور خیریه به طور دایم و یا مؤقت و یا به عباره دیگر وقف، حبس عین است در ملک الله "ج" که از ملکیت واقف (وقف کننده) خارج و در ملکیت موقوف علیه داخل نمی گردد.

ملکیت از نگاه محل و موقعیت به ساحات تجارتی و محلات رهایشی نیز تقسیم می گردد.

ساحات تجارتی

شامل ساحاتی می گردد که اشخاص در آن جا معاملات خرید و فروش را انجام می دهند که از سوی دولت و حکومت برای انجام معاملات

دسترس متقاضیان گذاشته می شود.

هرگاه مالکین این ساحات شخصاً به آن ضرورت داشته باشند و یا این که نسبت غیابت مستأجر و ندادن کرایه به مالک ضرر عاید گردد، مالک می تواند طبق ماده (۳۰) قانون طرز تحصیل حقوق با ارائه اسناد ملکیتی که عاری از جعل و تزویر باشد و مبطل آن موجود نباشد تقاضای تخلیه ساحات متذکره را از طریق اداره حقوق و تجویز محکمه تجارتی نماید. مثلاً، شخص مالک به یک باب دکان در ساحه ملکیت خویش ضرورت دارد اما مستأجر از تخلیه آن امتناع می ورزد مالک حق دارد تا کتباً از اداره حقوق محل، تقاضای تخلیه دکان ملکیتش را نماید. اداره حقوق بعد از اجراءات مقدماتی اوراق را به محکمه تجارتی طبق ماده (۳۱) قانون طرز تحصیل حقوق غرض تجویز قضایی ارجاع می دارد که بعد از صدور قرار قضایی مبنی بر تخلیه دکان، اداره حقوق محل اقدام به تخلیه آن می نماید و یا در صورتی که مستأجر ملکیت شخص را قفل و مدت شش ماه غایب گردد و کرایه آن را به مالک نپردازد و از این طریق به مالک ضرری عاید گردد، مالک می تواند با مراجعه به اداره حقوق محل، تقاضای تخلیه آن را نماید. اداره حقوق پس از بررسی، موضوع را از طریق رسانه های جمعی به اطلاع مستأجر می رساند تا طبق ماده (۳۴) قانون طرز تحصیل حقوق در مدت سه ماه غرض تخلیه دکان حاضر گردد، در صورتی که باز هم مستأجر و یا وکیل قانونی وی حاضر نشود آنگاه موضوع

حقوق، شاروالی تعیین و طبق تجویز محکمه به تخلیه آن اقدام و اموال آن را فهرست و یک نقل آن را به محکمه و دیگر آن را به ناحیه و نقل سومی به اداره حقوق ارسال می گردد. اموال فهرست شده اگر ایجاب تشریح از طرف شخص فنی و مسلکی را می نمود توسط شخص مسلکی تشریح می گردد. همچنان در اموال فهرست شده اگر اموال سریع الفساد وجود داشت، فروش آن به محکمه پیشنهاد می گردد که بعد از هدایت محکمه اموال سریع الفساد توسط هیأت به فروش می رسد و پول آن طور امانت به نام مستأجر به بانک الی آمدن مالک مال و یا قایم مقام آن گذاشته می شود و بعداً برای مالک ملکیت تسلیم داده می شود.

محلات رهایشی

محلات رهایشی که به منظور زندگی کردن و بود و باش نمودن تخصیص یافته است شامل حویلی ها، اپارتمان ها و... می باشد. در صورتی که مالک به آن ضرورت داشته باشد و مستأجر در اثر تقاضای مالک آن را تخلیه نکند بادر نظر داشت ماده (۳۰) قانون طرز تحصیل حقوق با ارائه اسناد ملکیت تقاضای تخلیه آن را از مراجع عدلی و قضایی می نماید. اداره حقوق بعد از اجراءات مقدماتی اوراق را غرض تجویز تخلیه به محکمه ذیصلاح مدنی راجع داشته که بعد از تجویز قضایی توسط هیأتی که در فوق از آن نام برده شد ملکیت از مستأجر تخلیه و به مالک آن سپرده می شود.

هبه و صدقه قایم مقام ایجاب و قبول لفظی شده می تواند."

اهلیت واهب

برای این که هبه صحت داشته باشد باید واهب (هبه دهنده) عاقل، بالغ و صحت باشد. بناءً هبه صغیر، مجنون و معتوه صحت ندارد. چنانچه در ماده (۱۱۷۷) قانون مدنی آمده است: "شخصی که اهلیت تبرع را داشته و محجور نباشد می تواند در حالت صحت جمیع مایملک خود یا قسمتی از آن را برای هر که خواسته باشد هبه نماید."

هبه در حالت مرض موت حکم وصیت را دارد و این مسأله در ماده (۱۱۹۱) قانون مدنی چنین صراحت دارد: "هبه شخص در حال مرض موت حکم وصیت را دارد". مثلاً شخص مریضی که درحالت مرگ قرار دارد برای یکی از ورثه خود چیزی را هبه می نماید. مانند: ملک یا خانه و چیز دیگر اما بعد از وفات واهب سایر ورثه آن را قبول نمی کند. چنین هبه یی صحیح نمی باشد. اگر در غیر از وارث یعنی به شخص دیگر هبه نماید شی هبه داده شده به اندازه ثلث مال صحیح و در غیر آن قابل رد است.

اهلیت موهوب له

- موهوب له، عاقل و بالغ باشد
- موهوب له اگر (طفل ممیز) باشد موهوبه را (شی که هبه داده می شود) قبول و قبض نماید عقد هبه جایز است.
- موهوب له اگر (طفل غیرممیز) باشد توسط ولی، وصی و قیم آن قبول و قبض صورت گیرد عقد هبه تکمیل است (مجنون و صغیری که سن هفت سالگی را تکمیل نکرده باشد غیر ممیز محسوب می گردد).

حکم هبه

هبه در حالی که مطابق شرایط پیشبینی شده شرع و قانون مدنی صورت گرفته باشد، ثبوت ملکیت را می نماید و ملکیت مال و یا عین از واهب به موهوب له انتقال می یابد.

ارکان هبه

هبه مانند سایر عقود دارای ارکان و شرایطی است. در رابطه به ارکان هبه علماء با هم اختلاف نظر دارند. بعضی را مانند شیخ الاسلام خواهر زاده، نظر بر این است که ایجاب واهب (هبه دهنده) رکن عقد هبه می باشد و بس. قبول موهوب له (هبه گیرنده) از جمله ارکان عقده هبه محسوب نمی شود؛ زیرا این عقد به محض ایجاب واهب (هبه دهنده) منعقد می گردد.

وعده یی دیگر مانند صاحب التحفه ایجاب و قبول را از جمله ارکان هبه می شمارد. این نظر در قانون مدنی کشور، نیز انعکاس یافته است چنانچه در فقره (۱) ماده (۱۱۷۸) این قانون آمده است: "هبه بدون قبول و قبض موهوب له و یا نایب او تکمیل نمی گردد؛ یعنی قبول و قبض از جمله ارکان عقد هبه می باشد."

همینگونه المجله در ماده (۸۳۷) چنین صراحت دارد: (تتعقد الهبة بالإيجاب والقبول و تتم بالقبض). ترجمه: "هبه با ایجاب و قبول منعقد می شود و با قبض تمام می شود". قاعده فقهی نیز در زمینه وجود دارد که (التبرع لاتتم إلا بالقبض). "هبه تکمیل نمی شود مگر به قبض".

شخصی که اهلیت تبرع را داشته و محجور نباشد، می تواند در حال صحت، جمیع مایملک خود یا قسمتی از آن را برای هر که خواسته باشد هبه نماید.

ماده ۱۱۷۷ قانون مدنی

آگاهی حقوقی

صاحب امتیاز: وزارت عدلیه ج. ا. ا.

مدیر مسئول: پوهندوی عبدالقادر عدالتخواه

سر دبیر: دردانه فضائی

هیأت تحریر: اسد الله وحدت، عبدالرحمن عظیمی، محمد محسن نیکپال، فیض الله خواجه آمانی

آدرس: کابل چهارراهی پشتونستان وزارت عدلیه ج. ا. ا.

نمبر فون: ۰۷۰۰۲۹۲۶۶۰ و ۰۲۰ ۲۱۰۳۷۳۵

تایپ و دیزاین: "فیروز"

آدرس اینترنتی ما: www.moj.gov.af پست الکترونیکی: gaderadalatkah_2006@yahoo.com

Agahi Hoquqi

Publication organ for Ministry of Justice

سال اول * شماره پنجم * اسد ۱۳۸۶ * August 2007

سنگ تهادب مرکز اصلاح ...

محترم پوهندوی عبدالقادر عدالتخواه معین وزارت عدلیه هنگام گذاشتن سنگ تهادب این مرکز پس از تقدیم تمینیات نیک مقام وزارت عدلیه به مقام ولایت هرات، کارمندان دولتی و مردم شهید پرور آن ولایت گفتند: اعمار چنین مراکز یک گام مهم و اساسی در جهت تجدید تربیت اطفال متخلف از قانون است.

ایشان همچنان راجع به حقوق اطفال، اهمیت تعلیم و تربیه برای اطفال متخلف از قانون، تطبیق قوانین، بلند بردن ظرفیت کارمندان دولت به خصوص رؤسا و منسوبین ادارات ولایتی وزارت عدلیه صحبت نمودند و آنان را به مسؤولیت های مهمی که در قبال وطن و مردم زجر کشیده کشور متوجه ساختند.

محترم معین وزارت عدلیه همچنان راجع به امکانات موجود و نیازمندی های وزارت عدلیه به خصوص کمبود زیر بناهای فیزیکی سخنرانی کردند و از زحمت کشی های رئیس مرکز اصلاح و تربیت اطفال ولایت هرات (حاجی نعمت الله طایع) اظهار قدردانی و ضمناً به پاس خدمات شایسته اش تقدیر نامه درجه سوم را به وی اعطا نمودند. ایشان همچنان از همکاری های سخاوتمندانه تیم پی آر تی کشور

واژه ها و اصطلاحات حقوقی

پوهندوی عبدالقادر عدالتخواه / استاد دانشگاه کابل

اشخاصی که ولایت اجبار بر ای شان ثابت می گردد

در صورتیکه ولی، زن عاقله و بالغه را با رعایت کفو به مهر کمتر از مهر مثل به نکاح بدهد، زن حق اعتراض بر مهر را دارد. اگر زن این عقد ازدواج را رد نماید ازدواج مذکور باطل شناخته می شود.

برعکس اگر زوجه به مهر کمتر از مهر مثل اجازه دهد، عقد ازدواج مذکور نافذ شمرده میشود و اعتبار حقوقی پیدا می کند.

مطابق نظریات بعضی از فقهای اسلامی عقد ازدواج بعبارت زنان منعقد نمیگردد و مطابق نظر ایشان باید عقد از دواج توسط ولی منعقد گردد در صورت عدم موجودیت ولی قاضی حق دارد تا ازدواج ایشان را منعقد سازد.

در صورتیکه اشخاص، فاقد اهلیت مانند مجانین و صغار غیرممیز بوده باشند، نمی توانند عقد ازدواج را به صورت مستقلانه منعقد سازند و برای ایشان ولی اجباری از طرف شرع پیش بینی شده است. برعکس اگر ایشان ازدواج را منعقد سازند، ازدواج آنها باطل شمرده میشود، ولو که ولی ایشان بعداً در زمینه عقد ازدواج، اجازه دهد. زیرا که اجازه بعدی ولی هیچ تاثیری در عقد ازدواج باطل وارد کرده نمی تواند.

ملکیت ها و طرز تخلیه آن ها در قانون طرز تحصیل حقوق

اسد الله وحدت

زمانی که از ملکیت نام می بریم بهتر است آن را با انواع و اقسام آن بشناسیم.

ملکیت طبق ماده (۱۹۰۰) قانون مدنی کشور: "عبارت از حقی است که به مقتضی آن شیئی تحت اداره و تسلط شخص قرار می گیرد و تنها مالک می تواند در حدود احکام قانون به استعمال، بهره برداری و هر نوع تصرفات مالکانه به آن بپردازد".

همچنان ماده (۱۹۰۱) قانون مدنی چنین حکم می کند: "مالک شیئی، مالک تمام آنچه که از عناصر اصلی آن شمرده شده و انفصال آن از شی بدون از بین رفتن و یا تلف شدن یا تغییر یافتن شی ممکن نباشد شناخته می شود."

به همین اساس مالک صلاحیت دارد که در ملکیت خویش تصرفات مالکانه نماید یعنی آن را بفروشد، گرو بدهد و یا به کرایه بگذارد به شرطی که از حق مالکیت خود استفاده سوء نکند و از این ناحیه به دیگران ضرر عاید نگردد. مثلاً مالک حویلی نمی تواند کلکین خانه اش را که به حویلی

همجوارش مشرف باشد، به سوی آن باز نماید، و یا مانع آب رو حویلی همجوار از ملکیت خود گردد، و یا چنان تعمیری بسازد که مانع رسیدن نور آفتاب به حویلی همجوارش گردد، و یا این که آب رو بام خانه اش را به سوی حویلی همجوار بگذارد.

لازم به تذکر است که مالک، مالک تماماً عناصر لایتجزأ شیء می باشد. مثلاً شخص همزمان با آن که مالک تعمیر است مالک دورازه، کلکین، الماری و هر آنچه که در تعمیر نصب است نیز می باشد.

از آنجایی که ملکیت های غیر منقول همواره موضوع بحث در علم حقوق است بناءً دانشمندان حقوق آن را به انواع ذیل تقسیم نموده اند:

- ۱- املاک شخصی
- ۲- املاک دولتی
- ۳- مرعی یا مالچر
- ۴- املاک وقفی

املاک شخصی

املاک شخصی آن است که ملکیت شخص، یا اشخاص شرعاً و قانوناً بر آن ثابت باشد. ملکیت شخصی توسط اسناد معتبر شرعی و قانونی ثابت می گردد مشروط بر این که دارای ثبت محفوظ قضاء و عاری از جعل و تزویر بوده و مبطل آن وجود نداشته باشد.

املاک دولتی

املاک دولتی عبارت است از قطعه یا قطعات زمین باغی، آبی، للمی، تپه ها، چمن، جبه زار، جنگل زار، علفچر، نیزار و سایر زمین هایی که در دفتر اساسی اراضی دولتی ثبت باشد که می توان آن را به گونه زیر تقسیم کرد:

— زمین هایی که در جریان تصفیه شرعاً ملکیت اشخاص بالای آن ثابت نشود و یا به عبارۀ دیگر املاک غیر استملاک شده یی که قبلاً در اسناد و دفاتر حکومت به حیث املاک دولتی ثبت و معرفی گردیده است.

ادامه در ص ۳

عصبی او حق اعتراض را بر اینگونه عقد تا زمانیکه حمل او ثابت نشده باشد و یا اینکه ولادت نکند دارا می باشد. بدین معنی که ولی زوجه میتواند در محضر محکمه فسخ این نوع ازدواج را تقاضا نماید. زیرا که اسقاط حق زوجه به ارتباط مهر کمتر از مهر مثل حق ولی او را در زمینه عدم رعایت کفو و مهر مثل از بین برده نمی تواند. پس اگر زوج مهر مثل زوجه خویش را تکمیل نماید و یا اینکه ولی به مهر کمتر توافق نشان دهد عقد ازدواج مذکور از جمله عقود لازم محسوب می گردد. اما برعکس در صورتی که ولی زوجه به مطالبه فسخ ازدواج در محکمه اصرار داشته باشد قاضی میتواند به فسخ این نوع عقد ازدواج تصمیم اتخاذ نماید.

دانستنی هایی از عقد هبه

فیض الله (خواجه امانی)

است از وَهَبْتُ (بخشیدم) أَعْطَيْتُ (دادم یا عطا کردم). چنانچه در زبان عربی گفته می شود: (وَهَبْتُ لَهُ مَالاً) یعنی مال را به او بخشیدم (جَعَلْتُ هَذَا الشَّيْءَ لَكَ) این عطیه برای تو ساختم و امثال آن.

هبه در اصطلاح فقه عبارت از تملیک مال بدون عوض و یا گاهی به مقابل عوض هم شده می تواند. چنانچه قانون مدنی کشور، در ماده (۱۱۷۶) خویش، هبه را چنین تعریف نموده است: "هبه عبارت است از تملیک مال به شخصی دیگر بدون عوض، گاهی به مقابل عوض نیز صورت می گیرد".

بنا بر این هبه به اشکال زیرین صورت گرفته می تواند:

- هبه با عبارات (وَهَبْتُ) بخشیدم و (قَبِلْتُ) قبول کردم؛ یعنی باليجاب و قبول صورت گرفته می تواند.

- هبه به تعاطی (دست به دست) نیز صورت می گیرد. مثلاً شخصی به شخصی دیگری چیزی را می دهد اما هیچگونه الفاظی در میان آنان تبادل نمی شود. قانون مدنی کشور ما این مطلب را در ماده (۱۱۷۹) خویش چنین تذکر داده است که: (هبه به تعاطی منعقد شده می تواند).

ادامه در ص ۳

ایتالیا در اعمار مرکز اصلاح و تربیت اطفال آن ولایت اظهار سپاس کردند.

متعاقباً محترم حاجی میر معاون ولایت هرات به نمایندگی از ولایت هرات به مهمانان خوش آمدید گفتند و از این که اعمار این مرکز و واحدهای مسکونی افسران محبس ولایت هرات - که به همکاری تیم پی آر تی کشور ایتالیا صورت می گیرد - بتواند در آینده مشکلات نگهداری اطفال تحت حجر را مرفوع سازد اظهار امیدواری کرد.

این مرکز در ساحۀ ۴ جریب زمین در ملکیت دولتی مربوط وزارت عدلیه با بودجه ۸۳۰۰۰۰ ایورو در یک منزل به صورت پخته و اساسی اعمار می گردد که دارای اتاق های اداری، تدریسی، کارگاه های حرفه یی، خوابگاه ها، اتاق کنفرانس، کتابخانه، آشپزخانه، اتاق های محافظین، برج های ترصدی، چاه آب و سایر سهولت ها می باشد. این مرکز ظرفیت ۲۲۰ نفر طفل تحت حجر اعم از دختر و پسر را به تفکیک جنس در یک وقت دارا خواهد بود که کار ساختمان مدت ۹ ماه را دربر خواهد گرفت.

هیأت به روز جمعه با محترم سید حسین انوری والی ولایت هرات ملاقات نمود و در روز بعد آن از مرکز اصلاح و تربیت اطفال، مدیریت عمومی محبس ولایت هرات و ریاست های حقوق، قضایای دولت آن ولایت بازدید نمودند و مشکلات آنان را از نزدیک بررسی نمودند و سپس به منظور بررسی واحدهای سومی وزارت عدلیه به ولسوالی کرخ ولایت هرات رفتند و روز یکشنبه به تاریخ ۳۱ سرطان به کابل بازگشتند.

سنگ تهداب مرکز اصلاح و تربیت اطفال توسط محترم پوهندوی عبدالقادر عدالتخواه معین اداری وزارت عدلیه، معاون ولایت هرات و قوماندان تیم پی آر تی ولایت هرات و سایر بزرگان دیگر گذاشته شد.